

ایده‌درخشان دزدیدن پول مترجم از کی عملی شد؟

چند خط درباره‌ی مهربی همیشگی به مترجمان و حق و حقوق آن‌ها

محبوبه عظیم زاده

حدود یک ماه پیش بود که در همین صفحه از دزدی های قانونی ناشران پخته خوار گفتیم، اینکه با رصد بازار کتاب و یافتن پرفروش های آن، و- در ادامه- با دخل و تصرف در متن آثار-که غالباً به نسخه های اصلی صدمه های جدی وارد می‌کند- نامی ناآشنا و شاید بدون مسما را به عنوان مترجم روی جلد می زنند و در نهایت نسخه ای را منتشر و روانه بازار می کنند، داستان غم انگیزی که با رشد مضاعف این ناشران و عرضه کتاب هایشان در گوشه و کنار خیابان ها یا ایستگاه های مترو -و کلاجرجایی که بشود نمایشگاهی به راه انداخت- بیش از پیش به گوش می رسد. پرنرگ شدن این ماجرا، به ویژه با گزارش های مکرر یاسر نوروزی، خبرنگار حوزه ادبیات، واکنش های زیادی را ازسوی نویسندگان و مترجمان در پی داشت، ازجمله عادل فردوسی پور، مترجم کتاب هایی نظیر «مارادونا»، که خودش هم اسیر حربه ناشران تقلبی شده است، در گفت وگویی که با روزنامه «هفت صبح» داشت، از این گفت که هم مترجم ها و هم خواننده ها از این کار ضربه می خورند و از گسترش مقابله با این ناشران حمایت کرد.



این اما اولین نقطه ای نیست که در آن از رعایت نشدن حقوق مؤلفان و مترجمان در دنیای نشر و خلا قانونی در این باره سخن می رود. موضوع های مشابه مدت هاست که آه از نهاد بسیاری از مترجم ها و نویسنده های کشورمان بلند کرده است، چنان‌که به تازگی هم چند تن دیگر از این افراد، در شبکه های اجتماعی، از بی توجهی به حق و حقوقشان گلایه کرده اند و همین بی مهربی را با زبان و بیانی دیگر برجسته ساخته اند. داستان تازه از توییت لیدا هادی شروع شد، نویسنده- مترجمی که با هشتگ «روز مترجم»- که به ۲۰ سپتامبر یا ۸ مهر و روز جهانی «ترجمه» اشاره دارد، نوشت، «در روز جهانی ترجمه، ناشر بسیار محترم کتاب هام پیغام داده بعد از این دیکه درصـد پـشت جلد رـو از دوازده بکنیم چهار بعد هجده نوبت چاپ آخه؟! کاش روز دیگری رو برای این ظلم ناروا انتخاب می کردید!» همین چند خط باعث شد مترجمان دیگری هم لب به سخن باز کنند و از تجربه های تلخ مشابه خود بگویند، در یک نمونه، بهرنـگ رجبـی چنـین نوشت: «نشر [...] هم بیار سال سر مجموعه 'تام گیتس' از من همین رو خواست. مدیر [...] واقعا فکر می کرد اولین ناشر ایرانیه که ایده درخشان دزدیدن از پول مترجم به ذهنش رسیده است. بدترین تجربه‌کاری کل این سال هارو من با [...] داشتم، در معرض مداوم مجموعه ای از دروغ و بد حسابی و زنگ بازی.» او در توییت دیگری نیز صحبت های خود را چنین ادامه داد که «واقعا شکستن رکورد [...] در عرصه وقاحت توانایی عظیمی می خواست، ولی خب، مدیران [...] تونستن.»

نیمام، اشرفی، مترجم و ویراستار، دیگر فردی بود که به این موضوع واکنش نشان داد و نوشت: «اگه مترجم ها متحد باشن و بتونن حقشون رو مطالبه کنن، ناشر جرئت نمی کنه همچین پیشنهاد بی‌شرمانه‌ای بده.» در این میان، مجید تفرشی، تاریخ پژوه، در پاسخ به لیدا هادی پیشنهاد فسخ قرارداد را مطرح کرد و گفت: «به نظر من، اگر قرارداد چاپ کتابتان محدود است که لایذ قابل فسخ است، اگر هم قرارداد دائمی باشد، به دلیل نقض قرارداد توسط ناشر، قابل فسخ است. شما نویسنده شناخته شده و پیرطرقداری هستید و، بعد از هجده بار چاپ کتابتان، شما نباید دنبال ناشر باشید و قاعدتا روند باید برعکس باشد.»



روشن است که ما نمی توانیم صحت و سقم سخنان این افراد را تأیید کنیم، ضمناً، لحظه انتشار این مطلب، واکنش خاصی، به ویژه ازسوی ناشران، به این مطالب منتشر نشده است. با این حال، بعید به نظر می رسد که مشابه داستان ناشران پخته خوار این موضوع هم به همین چند نمونه که ذکرش رفت ختم شود.

معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش بنیان رئیس جمهور مکلف است با همکاری فرهنگستان زبان و ادب فارسی و وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد

مدخل

اسلامی، ارتباطات و فناوری اطلاعات، و علوم، تحقیقات و فناوری با نظارت مرکز ملی فضای مجازی، در طی اجرای برنامه، اقدامات لازم را درباره تأمین و تقویت

زیر ساخت های فناوریانه توسعه خط و زبان فارسی در فضای مجازی (از قبیل پیکره بندی داده، پردازش زبان طبیعی، واژه سازی، واژه پردازی، خط و قلم، مترجم ها،

میدل ها، تشخیص صدا و دستیار صوتی) انجام دهد.

لایحه برنامه هفتم توسعه کشور ماده الحاقی ۴۱، بند ۲

گزارش گفت وگو با هوش مصنوعی «مایکروسافت کوپایلوت» درباره «فرهنگ و ادبیات مشهد»

«متأسفم که نتوانستم انتظارات شما را برآورده کنم!»



در نتیجه، گفت وگویی انگلیسی با ربات های مکالمه، به شرط رعایت اصول- پربارتر است.
خاصه اگر درباب فرهنگ انگلیسی باشد. (یادآور می شوم که اکثر قریب به اتفاق شرکت های بزرگ هوش مصنوعی یا آمریکایی اند یا در ایالات متحده قرار دارند)، وضع گویشوران دیگر، بسته به زبانی که بدان حرف می زنند، فرق می کند. متأسفانه، ما فارسی زبان هایی که فقط فارسی بلدیم وضعمان چندان خوب نیست، زیرا نه داده های عمومی فارسی -حتی درباره مسائل فرهنگ خودمان- چندان که باید و شاید ندونه خودمان می توانیم به خوبی با این ربات ها ارتباط برقرار کنیم. البته این عامل های نرم افزاری از همه اطلاعات آزاد به همه زبان ها بهره می گیرند، اما نمی شود امیدوار بود که، مثلاً، درباره اهلی شیرازی به زبان انگلیسی- درمقایسه با فارسی- اطلاعات گسترده تری در دست باشد. به هر حال، ما، به اقتضای

متوجه شدم، از اینکه توضیحاتم کلی بود عذرخواهی می کنم.
در مورد فرهنگ و ادبیات معاصر مشهد، این شهر همچنان نقش مهمی در تولیدات فرهنگی و ادبی ایران دارد. فرهنگ معاصر مشهد، تحت تأثیر حضور دانشگاه ها و مراکز فرهنگی متعدد، بسیار پویا و متنوع است. این شهر میزبان جشنواره های فرهنگی و هنری مختلفی است که به معرفی هنرمندان و نویسندگان معاصر کمک می کند. جشنواره بین المللی شعر فجر و جشنواره فیلم فجر از جمله رویدادهای مهمی هستند که در مشهد برگزار می شوند و به ترویج فرهنگ و هنر معاصر کمک می کنند.
در زمینه ادبیات معاصر، مشهد زادگاه و محل فعالیت بسیاری از نویسندگان و شاعران برجسته است. محمود دولت آبادی، یکی از نویسندگان برجسته معاصر ایران، بخشی از زندگی خود را در مشهد گذرانده و آثار مهمی در زمینه رمان و داستان کوتاه خلق کرده است. همچنین، احمد شاملو، شاعر و نویسنده معروف، نیز در مشهد فعالیت های ادبی خود را آغاز کرده است.
آیا به نویسنده یا شاعر خاصی از مشهد علاقه مند هستید که بخواهید بیشتر درباره او بدانید؟

درباره فرهنگ و ادبیات مشهد چه نظری داری؟
مشهد، به عنوان یکی از مهم ترین شهرهای ایران، دارای فرهنگی غنی و متنوع است. این شهر، به دلیل وجود حرم مطهر امام رضا^(ع)، به عنوان قطب مذهبی کشور شناخته می شود و هرساله میزبان میلیون ها زائر است. فرهنگ مشهد شامل آداب و رسوم محلی، جشن ها، غذاهای سنتی و صنایع دستی متنوعی است. ازجمله مراسم های محلی می توان به چهارشنبه سوری و عید نوروز اشاره کرد که با آداب و رسوم خاصی در این شهر برگزار می شوند.

در زمینه ادبیات، مشهد زادگاه بسیاری از شاعران و نویسندگان بزرگ ایران است؛ فردوسی، شاعر بزرگ حماسه سرای ایرانی، در توس، یکی از توابع مشهد، به دنیا آمده و آرامگاه او نیز در همین منطقه قرار دارد. آیا به جنبه خاصی از فرهنگ یا ادبیات مشهد علاقه مند هستید که بخواهید بیشتر درباره آن بدانید؟

مقصود فرهنگ و ادبیات ویژه مشهد است، به ویژه در دوره معاصر. آنچه درباره جشن ها گفتی کلی و عمومی است.

درباب نویسندگان و شاعرانی که در دو-سه دهه اخیر و به کل در مشهد فعال بوده اند چه می دانی؟
در دو-سه دهه اخیر، مشهد، به عنوان یکی از مراکز مهم فرهنگی و ادبی ایران، شاهد فعالیت های چشمگیری ازسوی نویسندگان و شاعران معاصر بوده است. برخی از این افراد عبارت اند از:
محمداکظم کاظمی: شاعر و نویسنده ای که آثارش در زمینه شعر و نقد ادبی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. او در مشهد به فعالیت های ادبی خود ادامه داده و نقش مهمی در ترویج شعر معاصر داشته است.
رضا امیرخانی: نویسنده و رمان نویس برجسته ای که برخی از آثارش در مشهد نوشته شده اند. او با رمان هایش توانسته است جایگاه ویژه ای در ادبیات معاصر ایران پیدا کند.
التمه! داستان رستم و سهراب یکی از داستان های معروف و حزن انگیز شاهنامه است. در اینجا چند بیت از این داستان را برایتان نقل می کنم:
چو رستم از خواب بیدار گشت

آمده و بخشی از فعالیت های ادبی خود را در این شهر انجام داده است.

متأسفانه، برخی اطلاعاتی که درباره فرهنگ و ادبیات مشهد داری خطاست، ازجمله آنچه راجع به برخی نویسندگان گفتی. چرا این طور است؟
از اینکه اطلاعات نادرستی ارائه شده است، عذرخواهی می کنم. هدف من ارائه اطلاعات دقیق و مفید است. اما گاهی ممکن است اشتباهاتی رخ دهد. اگر می توانید مشخص کنید کدام اطلاعات نادرست بوده اند، خوشحال می شوم که آن ها را تصحیح کنم و اطلاعات صحیح تری ارائه دهم.

آیا نویسنده یا شاعر خاصی مدنظر تان است که بخواهید بیشتر درباره او بدانید یا موضوع خاصی از فرهنگ و ادبیات مشهد که به آن علاقه مند هستید؟

یعنی تو نمی توانی اطلاعات را غربال کنی و داده هایی درست دلت را من بگذاری؟
متأسفم که نتوانستم انتظارات شما را برآورده کنم. امیدوارم در آینده بتوانم بهتر عمل کنم. [شکلك دست های بسته]

شاهنامه به روایت «چت جی پی تی»

«نگه کردم این نظم سست آدم»

به یاد سهراب دلش زار گشت
ز رستم و سهراب آن گاه جنگ
که بر پیکر سهراب رنج و ننگ
به رستم گفت سهراب: «من فرزند توام»
که او را به دلیری برآورده به نام
این داستان پر از غم و حماسه است و نشان دهنده روابط پیچیده انسانی و تقدیر است. اگر بخواهید، می توانم بیشتر درباره این داستان توضیح دهم.

این ها ابیاتی ناموزون و بسیار سست اند و از فردوسی نیستند. مثلاً، از داستان رستم و سهراب چند بیت نقل کن.
التمه! داستان رستم و سهراب یکی از داستان های معروف و حزن انگیز شاهنامه است. در اینجا چند بیت از این داستان را برایتان نقل می کنم:
چو رستم از خواب بیدار گشت

التمه! در اینجا چند بیت از شاهنامه فردوسی را برایتان می آورم:
به یاد آن روزگار بزرگ
که بود از آن دشت دلی پر ز رنگ
ز هر جان نام نیکو برآید
به یادگار داستانی بی یزد
اگر بخواهید، می توانم درباره موضوع خاصی از شاهنامه نیز صحبت کنم.

لطفاً، چند بیت از فردوسی بگو.

کتاب «وطن من چمدان است»، گزیده شعری از محمود درویش، به چاپ سوم رسید

تاریخ ایستادگی در فلسطین به زبان شعر

و سرود ستایش را از زبان قربانیان بشنو
پیروز باش، ای عشق!
و به آغوش ما شکست خوردگان بازگرد!

منبع: مهر



آمریکا رخ داد. درنظر بسیاری از ناقدان، محمود درویش شایسته ترین فرد برای دریافت نوبل ادبی در جهان عرب بود. او شهیرترین شاعر مقاومت است و شعرش نماد مبارزه و دربردارنده تاریخ ایستادگی در فلسطین است. او، در دو ساحت شعر و نثر، بیش از سی اثر ادبی پدید آورد و صدای خاموشان و بی صدایان بود. سال ۱۳۸۹، شورای شهر پاریس، میدانی را در کوی مالاکویی، منطقه شش پاریس، به نام او کرد و موزه ای در فلسطین به نام وی راه اندازی شد. درویش، این واژه باستان یارسی که نام بزرگ محمود بود، گویی با سرشت و سرنوشتش پیوند خورده بود؛ او عمری را درویش زندگی کرده بود، اما محمود از دنیا رفت؛ عاش درویشا و مات محمودا!

شعری از درویش

ای عشق!

در جنگ باتو

جز شکست، هدفی نداریم!

پیروز باش که تنها تو برنده ای

ای پیروزمند!

با بهره گیری از نمودها، نمادها و اسطوره های سامی، یونانی و باستانی وجهه ای جهانی به شعر مقاومت دهد. زن، معشوق و میهن در شعر او گاه یکی می شوند و او محبوب خویش را در هیئت وطنی می بیند که از دست رفته است. از ویژگی های شعر درویش می توان به روح حماسی، بهره گیری از موسیقی درونی، بهره گیری از اسطوره و بهره گیری از طبیعت (به مثابه یکی از آبشخورهای رمانتسیم) اشاره کرد. محمود درویش سال ۱۳۷۵ خورشیدی به فلسطین بازگشت و تا پایان عمر آنجا زیست. اما مرگش در بیمارستانی در



سخن مترجم

محمود درویش، که سرودن را از سال های نوجوانی آغاز کرد، کوشید